



## تأثر متعهد

گفت و گو با پرویز بشر دوست، نماینده نویسنده

مرجان سمندری

تعهد چیست؟

تعهد جمع عهد است و ما عهدی که با هم می‌بندیم باید به آن پایبند باشیم که جمع این عهدها تعهد است. حالا این تعهد می‌تواند به جامعه باشد، به خانواده باشد و یا به آرمان یک انسان باشد.

هنر متعهد چه نوع هنری است؟

هنر متعهد، انسان متعهد است. به نظر من قبل از هر مسئله‌ای انسان باید متعهد باشد. انسان باید بتواند به جامعه و رفتار خودش متعهد باشد. من معتقدم که در وهله اول انسان بودن مهم است بعد به هنر می‌پردازد. انسان اگر متعهد باشد می‌تواند هنرمند متعهد باشد.

هنرمند متعهد کیست؟

هنرمند باید در خودش جست‌وجو کند. مثلاً من شصت سال سن دارم و در این شصت سال خیلی وقت‌ها خودم را دادگاهی می‌کنم. بعضی اوقات اشتباهاتی دارم. به هر حال من انسانم و از انسان قطعاً اشتباهاتی سرمی‌زند و از آنجا که در این دادگاه من متهم هستم و خودم و وجدانم دادستان، مدعی‌العموم و قاضی هم هستم، و در آخر به این نتیجه می‌رسم که رفتاری از من سرزده است که برای خودم و جامعه‌ام خوب نبوده است و اگر انسان خود را هر از گاهی پالایش دهد می‌تواند هنرمند متعهدی باشد. من قبول ندارم که هر شخصی لفظ هنرمند را بر خود بگذارد. خیلی از هنرمندان ایرانی و یا خارجی هستند که فقط بازیگران خوبی به شمار می‌آیند و ما نمی‌توانیم به آن‌ها بگوییم هنرمند، زمانی آن انسان بتواند جایگاه انسانی و کرامت انسانی خود را پیدا کند، آن وقت می‌شود گفت هنرمند، ولی اگر رفتارها و هنجارهای

اجتماعی را نشناسد و خودش را پالایش ندهد، هنرمند نخواهد بود. هنرمند باید پاسخ‌گوی جامعه خود و نیاز مردم جامعه خود باشد و وظایفی که دارد بر روی مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و... است که باید به آن‌ها بپردازد. مثلاً در چکسلواکی و استاوپاول در جریان کمونیستی یکی از معترضین بود. این شخص نماینده‌نویس بود که فکر می‌کنم بعد از ۱۹۹۴ رئیس‌جمهور چکسلواکی بود که بعدها این دو از هم تفکیک شد به چک و اسلواکی. پاول هنوز هم هست و مردم او را دوست دارند. چرا؟ زیرا او مسائل و ناهنجاری‌های آن زمان جامعه را می‌دانست. می‌گفت و تحلیل می‌کرد، با اینکه تحصیلات چندانی هم نداشت. به نظر شما چرا می‌گویند هنرمندان میزبان تاریخ هستند و سیاستمداران مهمان تاریخ؟ زیرا سیاستمداران می‌آیند و می‌روند ولی آن هنرمند است که میزبان تاریخ است و به آن می‌گویند هنرمند متعهد.

تعهد هنری چه تفاوتی با تعهد ایدئولوژیک دارد؟

انسان می‌تواند به ایدئولوژی پایبند باشد، حتی اگر جامعه آن ایدئولوژی را نپذیرد. آرمان‌گرایی و آرمان‌خواهی آن هنرمند به ایدئولوژی‌ای که دارد می‌تواند مؤثر باشد تا یک فرد آرمان‌گرا را صاحب ایدئولوژی‌ای که هست بدانند. آن تعهد هنری در پیچاپیچ این ایدئولوژی‌ها به نظر من یک مقدار حل می‌شود مثلاً ما یک سبک هنری داریم به نام رئالیسم سوسیالیست و برخی در این سبک می‌نویسند آن هنرمند اگر به ایدئولوژی‌ای که دارد متعهد نباشد پس تعهد هنری نیست.

آیا تعهد یک مفهوم معنایی است یا زیبایی‌شناسانه؟

به نظر من می‌تواند هم معنایی باشد و هم زیبایی‌شناسانه ولی در وهله اول مفهوم معنایی پیدا می‌کند و اگر آن مفهوم و معنا را پیدا کند از آن کانال‌های فکری نویسنده عبور کرده و آن را از درون خود بیرون بیاورد و بسازد یعنی ساخته و پرداخته کند آن مفهوم معنایی را تبدیل به یک مفهوم زیبایی هم می‌کند.

هنر متعهد در دنیای اسلام خصوصاً در ایران چه مفهومی دارد؟

در همه جا به یک شکل و همان مسئله تعهد است. ما اگر به مفهوم ایدئولوژی‌کی این مبحث دقت کنیم خواهیم دید. ما خیلی افرادی را داشتیم که به مفهوم هنر متعهد در اسلام وفادار بودند، مثلاً یکی از فیلم‌سازان ما که در حوزه هنری همان اوایل انقلاب که نویسنده و کارگردان بود وقتی اولین کارش را می‌بینیم. می‌بینیم نورپردازی غلط، کارگردانی غلط، زاویه‌بندی غلط است، حوزه هنری روی یک فردی سرمایه‌گذاری کرد یک استعداد را پرورش داد که متأسفانه آخر سر این آقا سر از یک جاهای دیگری و به شکل دیگری درآورد. به نظر من کسی که تعهد دارد به جامعه هنر به اسلام و از آن تعهدی که دارد جدا می‌شود آدم منفوری است. من معتقدم که اگر از ابتدا به اسلام و هنر متعهد است تا آخرش بایستد، نه بنا به شرایط ایدئولوژی خود را کنار بگذارد زیرا دیگر به نظر من این فرد هنرمند نیست و این افراد خودشان هم می‌دانند که جایگاهی ندارند. به نظر من تعهد یک واژه اخلاقی است و ریشه دارد. ما نمی‌توانیم آن ریشه‌ها را از خودمان جدا کنیم.

تعهد از دیدگاه جلال آل احمد و شریعتی.

من تعهد از دیدگاه جلال را بهتر می‌پسندم و به نظر من جلال زلال بود در خسی در میقات که سفری به مکه بود، غرب‌زدگی، مدیر مدرسه و دیگر آثارش حرف‌های خود را می‌زد و به نظر من جلال به‌خلاف عده‌ای که معتقد هستند که جلال موضع خود را عوض می‌کرد باید بگویم جلال قالب خود را عوض می‌کرد نه موضع خود را، جلال از تمام زوایا به مسائل نگاه می‌کرد. جلال آل احمد دیدگاه مشخص داشت ولی متأسفانه شناخته نشد. حتی برادرش شمس هم آمد ولی نتوانست و در همان خشت خام که خودشان در روزنامه اطلاعات مبحثی باز کرده بودند به همین نام باقی ماند و آن جوهره جلال را نداشت. ولی شریعتی، من ترجیح می‌دهم در مورد این فرد و اندیشه‌هایش صحبت نکنم.

آیا ما هنر بدون تعهد هم داریم؟

نه نداریم. این بحث هم باز می‌گردد به انسان، من اگر ندانم پیرامونم چه می‌گذرد، پیرامون من پر از دغل و دغل‌بازی است و حرفی نزنم به عنوان انسان پذیرفته نیستیم. ما اصلاً هنر بدون تعهد نداریم آن می‌شود هنر برای هنر که قدیم در جشن هنر شیراز اجرا می‌شد.

تعهد هنری با سیاست چه ارتباطی دارد؟

هنرمندان در گذر تاریخ مورد کنکاش قرار می‌گیرند و ارزیابی می‌شوند. در مورد آن‌ها همان طور که گفتم میزبان تاریخ هستند. ولی سیاست علم است البته می‌تواند در برخی افراد تعهد هم ایجاد کند مثل پاول که گفتم از هنر خود برای پیش‌برد سیاست استفاده کرد مثلاً گاندی را ببینید در هند رهبر یک ملت است با چی؟ با آن تعهدی که دارد. بعضی وقت‌ها تعهد هنری هم می‌تواند با سیاست ارتباط داشته باشد. این ارتباط را می‌توانیم در عبدالحسین نوشین ببینیم. البته برای تعهد سیاسی باید وارد حزب شد ولی تعهد هنری در حزب خاص نمی‌گنجد. هنر فراتر از حزب است.

تعهد هنری به سیاست است یا به ذات هنر؟

به ذات هنر است، خود به خود ذات هنر را ما نمی‌توانیم پیدا کنیم بلکه باید در درون ما پیدا شود. من معتقدم تعهد هنری اول به ذات هنر است و بعد که کامل شد و هنرمند توانست آن ذات هنری را بشناسد به سیاست هم ارتباط پیدا می‌کند البته باز هم تأکید می‌کنم که سیاست از نظر من علم است.

من ذات هنر را این طوری تعریف می‌کنم و برمی‌گردم به خودم. من پرویز بشر دوست هستم. بعضی وقت‌ها خودم را دادگاهی می‌کنم. چه ایرادی دارد می‌خواهم خودم را پالایش دهم و هنوز هم که شصت سال سن دارم ممکن است خیلی چیزها را ندانم می‌خواهم آن‌ها را بشناسم، این مطلب را در یک مصاحبه دیگری هم گفتم ولی لازم می‌دانم باز هم بگویم. من شش یا هفت سالم بود که یک روز در میدان فوزیه آن زمان دیدم پاسبانی در حال زدن یک پیرمرد است و مردم هم ایستاده‌اند به تماشا. متأسفانه ما نظاره‌گر زیاد داریم. من هم ایستادم نگاه کردم که یک زوری در مقابل یک ضعیف ایستاده است. حالتی به من دست داد که چرا باید کسی که زورمند است به کسی که زور ندارد خود را تحمیل کند و اولین مشق هنری هم که نوشتم این بود «پاسبان زور دارد، پیرمرد ندارد». برای اینکه ذات هنر را بشناسیم باید یک هنرمند در وهله اول معما بسازد و بعد آن معما را پیدا کند. این گونه ذهن به

جست‌وجو می‌پردازد و ذهن جست‌وجوگر به ذات هنر خواهد رسید ولی کسی که ذهن کم‌کاری داشته باشد نسبت به درون خود، به ذات هنر نخواهد رسید.

به نظر شما سارتر آدم سیاسی بود؟

نه، سارتر فلسفی بود. مبحث اگزیستانسیالیسم و اصالت وجود را مطرح کرد. سارتر انسان‌ها را به گروه خونی AB, B, A, O تقسیم کرد و برای هر کدام از این گروه‌ها خصوصیتی را برشمرد که به نظر من مطلق نیست. در مورد مباحث فلسفی ما اگر صحبت کنیم بعدها نیز کسانی می‌آیند و از قلمرو خود صحبت می‌کنند مثلاً ما هنوز از هنر یک تعریف خاص نداریم و هر کسی از قلمرو خود تعریفی از هنر دارد. سارتر فیلسوف و نمایشنامه‌نویس بود. من معتقدم که بعضی مسائل فلسفی خود به خود جنبه سیاسی پیدا می‌کنند، ما نمی‌توانیم بگوییم ما سیاسی نیستیم، در شرایط حاضر تمام حرکات ما سیاسی است. متأسفانه جامعه ما سیاست‌زده شده است و سارتر و فلسفه اگزیستانسیالیسم و اصالت وجود را ما نمی‌توانیم بگوییم ربطی به سیاست ندارد. ولی سارتر ذاتاً سیاسی نبود.

تعهد از دیدگاه سارتر چیست؟

ما مسئله اومانیزم (انسان‌گرایی) را در آثار سارتر مانند زنبور عسل می‌بینیم و اتفاقاً می‌شود گفت سارتر متعهد به این مسئله بود نه اینکه بگوییم مذهبی بود نه، ولی متعهد به آفرینش خداوند بود و تعهدی که داشت تعهد هنری بود. مثلاً در زنبور عسل نگاه کنید آن خالص بودن را در آن می‌بینید. در این آثار به نوعی سلسله‌وار مسئله انسانی مطرح بود و تعهد سارتر تعهد انسانی، هنری و فلسفی بود.

تعهد از منظر سارتر چه تفاوتی با دیگر نظریه‌پردازان دارد؟

مسئله سارتر را با مثلاً افلاطون یا دو گل اگر بخواهیم مقایسه کنیم نمی‌شود زیرا این نظریه‌پردازان بیشتر سیاسی بودند و نمی‌شود با آن‌ها مقایسه کرد. البته هر نظریه‌پرداز نظریه خاص خود را دارد و نمی‌شود با هم مقایسه‌شان کرد ولی اندیشه آن‌ها همه اندیشه بشری است و هر کدام صاحب اندیشه مستقل هستند و اگر همه این نظریه‌ها را در یک دایره قرار دهیم خواهیم دید که حول انسان بررسی می‌شود و اگر انسان نبود قطعاً نظریه‌پردازی هم نبود.

مدیریت در تعهد هنرمند چقدر تأثیر می‌گذارد؟

من این گونه پاسخ می‌دهم ما چندین جشنواره در کشور برگزار می‌کنیم مانند ماه و فجر که برای هر کدام بیش از هزار اثر به دبیرخانه فرستاده می‌شود که تعدادی از آن‌ها قبول می‌شوند. بودجه‌ای در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد و اجرا می‌شوند ولی متأسفانه با اختتامیه جشنواره عمر این آثار تمام می‌شود. به نظر من باید این افراد با مدیریت صحیح استعدادیابی شوند و پرورش یابند. ما در کشور تعداد زیادی دانشجو داریم ولی بازار کار برای آن‌ها فراهم نیست، تئاتر ما متأسفانه متولی ندارد چه برسد به مدیریت، ما در کشور سالن‌های آمفی تئاتر در ادارات و وزارتخانه‌های مرتبط داریم که خالی هستند. اگر هر کدام از این آثار به صورت دوره‌ای در یک سال در این سالن‌ها اجرا شود ما می‌توانیم در جهت رشد تئاتر در کشور گام برداریم. ما در کشور جوان‌های بااستعداد زیاد داریم که متأسفانه به هرز می‌روند و این‌ها نیازمند مدیریت صحیح هستند.